یادداشت روز

با «وفاق» کدام گره باز می‌شود؟

بهار ۱۳۸۸ هرچه به روزهای پایانی‌اش نزدیک می‌شـــد؛ هوای سیاست در ایران داغ‌تر می‌شد. دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ داغ‌ترین روز آن بود. روزی که مردم با مشـــارکت خیره‌کننده حدود ۸۵ درصدی در انتخابات، حد نصاب جدیدی را در تاریخ جمهوری اســـلامی ایران به ثبت رساندند. این تاریخ‌سازی اما خیلی زود به کام مردم تلخ شد.

غربگرایـــان مدعی اصلاح‌طلبی به عنوان بازنده انتخابات با ادعای تقلب دســـت به اردوکشـــی خیابانی زدند و نتیجه را بدون ارائه مستندات تقلب ادعایی‌شـــان زیر سؤال بردند. آنها حدود ۸ ماه کشور را به آشوب کشیدند و بانی تحریم‌های فلج‌کننده آمریکا علیه ایران شدند. «باراک اوباما» رئیس‌جمهور وقت آمریکا در خاطرات خود از آن روزها می‌نویسد: «در شرایطی که این کشور [ایران] وارد چرخه هرج‌ومرج و ســـرکوبگری بیشتر می‌شد ما راهبردمان را به سمت دومین گام راهبرد منع اشـــاعه‌ای تغییر دادیم: یعنی بسیج کردن جامعه بین‌المللی برای اعمال تحریم‌های اقتصادی سخت» قطعنامه تحریمی ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران با همین هدف و در آستانه اولین سالگرد آن آشـــوب‌ها در ۱۹ خرداد ۱۳۸۹ صادر شد. این قطعنامه با قوانین تحریمـــی یکجانبه‌ای که آمریکا پس از آن اعمال کرد تکمیل شـــد و حلقه محاصره اقتصادی ایران را محکم کرد. «قانون جامع تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محرومیت»(CISSADA) اصلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین قانون تحریمی ایران بود که دو هفته پس از قطعنامه ۱۹۲۹ در مجلس سنای آمریکا به تصویب رسید و اول جولای همان سال با امضای اوباما رسمیت پیدا کرد. قانونی که در آن بارها به آشوب‌های سال ۱۳۸۸ اشاره شده و در مقدمه‌اش خواستار تخصیص بودجه اضافی برای حمایت از عوامل آن شده بود.

یک سال بعد وقتی مردم طعم خیانت غربگرایان مدعی اصلاح‌طلبی را با اعمال تحریم‌های اقتصادی آمریکا آهسته‌آهسته می‌چشیدند؛ غائله آشوب‌ها کاملا خوابیده بود و چیزی جز بدنامی برای آشوبگران به همراه نداشت. آنها حالا دیگر نه یک جریان سیاسی در چارچوب قانون اساسی که «براندازان ناکام نظام جمهوری اسلامی» به حساب می‌آمدند. سیاست «با دست پس زدن و با پا پیش کشیدن» تقریبا از همان زمان توسط آنها راه افتاد. آنها انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۹۰ را در حالی تحریم کردند که نامزدهای مورد نظرشان به طمع قدرت برای ثبت‌نام در این انتخابات صف کشیدند؛ و محمد خاتمی به عنوان یکی از سرکردگان این جریان در حالی پای صندوق رأی در شهرستان دماوند حاضر شد که تمایل داشت این خبر چندان رسانه‌ای نشود.

سال ۱۳۹۲ آنها بار دیگر به طمع کسب قدرت وارد رقابت‌های انتخاباتی شـــدند و این‌بار با علم به شکســـت نامزد مورد حمایت‌شـــان او را وادار به کناره‌گیری به نفع چهره‌ای دور از خود اما تقریبا همسو کردند. غربگرایان مدعی اصلاح‌طلبی بعد از آن همه آشـــوب‌آفرینی باز هم پای صندوق رأی جمهوری اسلامی ایران حاضر شدند تا مهر ابطال دیگری بر تمامی ادعاهای خود درباره تقلب در انتخابات بزنند.

وقتی آقای حسن روحانی در انتخابات ۱۳۹۲ پیروز شد، نوبت به سهم‌خواهی مدعیان اصلاحات از دولت او رســـید. آن روزها اصلی‌ترین مانع برای آنها در تکیه زدن بر صندلی‌های مدیریتی، ننگ آشوب‌های ۱۳۸۸ بر پیشانی‌شان بود. کلیدواژه «آشتی ملی» در چنین شرایطی ساخته و در رسانه‌های زنجیره‌ای وابسته به غربگرایان اصلاح‌طلب ترویج شد تا راه سهیم شدن در قدرت را برای آنها هموار کند. آنها با تحریف واقعیت‌ها، جامعه ایران را بحرانی و از هم‌گسیخته جا می‌زدند و تجویزشان برای رفع این بحران خودخوانده به‌کارگیری عناصر بدنام آشوب‌های ۱۳۸۸ در مدیریت کشور تحت شعار «آشتی ملی» بود.

اتفاقی که با واکنش رهبر انقلاب در ۲۷ بهمن ۱۳۹۵ مواجه شد: «ملّت ایران ایستاده‌اند، مجتمع هستند. حالا یک عدّه‌ای یاد گرفته‌اند تعبیرات «آشتی ملّی، آشتی ملّی» [را گفتن]؛ این حرف‌ها به نظر من معنی ندارد؛ مردم مجتمعند، با هم متّحدند؛ آنجایی که پای اسلام در میان است، پای ایران در میان است، پای استقلال در میان است، پای ایستادگی در مقابل دشمن در میان است، مردم با همه وجودشان ایستاده‌اند. ممکن است در فلان مسئله سیاسی دو نفر با هم اختلاف نظر داشته باشند [امّا] تأثیری نمی‌گذارد. چرا می‌گویید آشتی؟ مگر قهرند که بیایند با هم آشتی کنند؟ این تعبیرات را روزنامه‌ها پَر و بال می‌دهند، متوجّه نیستند که اشکال ایجاد می‌کند. وقتی شما می‌گویید آشتی، مثل این است که یک قهری وجود دارد؛ [درحالی‌که] قهری وجود ندارد. بله، مردم ما با آن کسانی که به روز عاشورا اهانت کردند قهرند. ملّت با آنهائی که روز عاشورا، با قساوت، با لودگی، با بی‌حیایی آمدند جوان بسیجی را در خیابان لخت کردند و کتک زدند، قهر است. با اینها آشتی هم نمی‌کنیم.»

تحلیل دقیق و درست رهبر انقلاب کمتر از سه سال بعد به وضوح آشکار شد؛ وقتی ملت ایران علی‌رغم سوءتدبیرهای دولت وقت و پس از ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ برای تشییع سردار پرافتخارشان، شهید قاسم سلیمانی تصاویری باشکوه در خیابان‌های اهواز، تهران، قم، مشهد و کرمان خلق کردند و در گوشـــه و کنار کشور به یاد او مراسم یادبود گرفتند. حاج قاسم نمادی از جمهوری اسلامی ایران و آرمان‌هایش بود و ملت با همه گلایه‌هایش از مدیریت برخی امور اجرائی، پای این نظام ایستاده بود.

یک ســـال بعـــد در ۲۶ آذر ۱۳۹۹ رهبر انقلاب باز هم بـــر اتحاد ملت ایران تأکید کردند و البته برای حفظ آن به مســـئولان کشور هشدار دادند: «ملّت ایران در خیلی از امور صدای‌شان صدای واحد است، خواست‌شان خواست واحد است، [امّا] مسئولان می‌توانند این را از بین ببرند. هنر مسئولان ما این است که این اتّحاد را، این هم‌صدایی را تکّه‌تکّه کنند، ملّت را تکّه‌تکّه کنند، اینها را از بین ببرند! مسئولین کشور مراقب باشند که این اتّحاد را زیاد کنند.» مخاطب بخش قابل توجهی از این هشدار رهبر انقلاب همان جریان غربگرای مدعی اصلاح‌طلبی بود که این‌بار در قامت برخی مسئولان اجرائی وقت کشور از هیچ تلاشی برای دوقطبی‌ســـازی‌های کاذبی مثل «میدان - دیپلماسی»، «تندرو-معتدل»، «جنگ‌طلبی - تعامل با دنیا»، «کاســـبان تحریم-حامیان مذاکره» و... در میان مردم دریغ نمی‌کرد!

پاییز ۱۴۰۱ این جریان بدنام و بدســـابقه یک‌بار دیگر در خیانت به منافع ملی کشـــور کم نگذاشـــت و این‌بار به بهانه حقوق زنان هم‌دوش با مقامات آمریکایی در مقابل نظام ایســـتاد و مشوق آشوب و ناامنی شد. مردم اما باز هم علی‌رغم مشکلات‌شان، آشوبگران را ناکام گذاشتند و در حمایت از آنها به خیابان نیامدند.

سال ۱۴۰۳ با برگزاری انتخابات زودتر از موعد ریاست‌جمهوری آنها باز هم در سودای کسب قدرت دست به‌کار شدند. در حالی که طبق نظرسنجی‌های انجام شده ۵۵ تا ۵۷ درصد از مردم علت عدم مشارکت در انتخابات را نارضایتی از مسائل معیشتی و اقتصادی بیان کرده بودند؛ غربگرایان مدعی اصلاح‌طلبی اما با تحریف واقعیت در رسانه‌های زنجیره‌ای‌شان عدم مشارکت را به عدم حضور فعال خودشان در انتخابات و در نتیجه مدیریت کشور تفسیر کردند و از این طریق برای تأیید نامزدهای مورد نظرشان فضاسازی کردند. با پیروزی «مسعود پزشکیان» در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، در رویدادی مشابه با سال ۱۳۹۲ آنها این‌بار کلیدواژه «وفاق ملی» را جایگزین «آشتی ملی» کردند تا مسیر دستیابی خود به مناصب مدیریتی کشور را علی‌رغم سابقه سیاه‌شان هموار کنند. اکنون به نظر می‌رسد شعار «وفاق ملی» از سوی این جریان تبدیل به اسم رمزی برای تحمیل عناصر زاویه‌دار و بدسابقه به آقای پزشکیان شده است. شعاری که در تبلیغات انتخاباتی آقای پزشکیان نمود خاصی نداشت و دستپخت حلقه‌ای خاص پس از ریاست‌جمهوری ایشان است.

آنها برای این شـــعار حتی همایش هم برگـــزار کردند اما جالب آنجا بود که «مســـعود پزشکیان» در ســـخنرانی خود در این همایش بیش از آنکه از «وفاق ملی» صحبت کند از «حق و عدالت» به عنوان اصول کاری‌اش نام برد و با اشـــاره به متنی که اطرافیانش برای سخنرانی او آماده کرده بودند، گفت: «متونی که عزیزان تهیه کرده‌اند، بسیار ارزشمند و تأثیرگذار است، اما آنچه به باورم از اهمیت بیشـــتری برخوردار است، بیان آن چیزی است که از دل برمی‌آید و در متون از پیش آماده شده، یافت نمی‌شود... آنچه که باور دارم و پیش‌تر در جریان انتخابات نیز بر آن تأکید کردم، اصولی است که حول محور حق و عدالت شکل می‌گیرد.»

ناهمگونی شـــعار «وفاق» با واقعیات ملموس کشـــور بـــه حدی بود که «علی لاریجانی» نیز به عنوان یکی از چهره‌های همسو با دولت چهاردهم به آن واکنش نشـــان داد و گفت: «امروز مشکلات گرانی و قیمت ارز وجود دارد اما ناگهان مسئله «وفاق» مطرح می‌شود که این ارتباط با زندگی مردم ندارد.» او درست می‌گفت؛ شعار «وفاق» ارتباطی با مسائل جامعه ایران ندارد و گرهی از کار مردم باز نخواهد کرد اما این شعار برای غربگرایان مدعی اصلاح‌طلبی به‌شدت گره‌گشاســـت! آنها که تا دیروز پیشـــتاز چند پاره کردن جامعه با اردوکشی‌های خیابانی و دوقطبی‌سازی‌های واهی بودند، امروز سنگ «وفاق ملی» را به ســـینه می‌زنند تا چهره‌های بدسابقه خود را در مناصب مدیریتی کشور جانمایی کنند. در صورت موفقیت این پروژه، آنها این‌بار اتاق آشوب خود را به جای خیابان در ادارات دولتی تشکیل خواهند داد.

سید محمدعماد اعرابی

ژنو از دوشنبه میزبان دور سوم گفت‌وگوهای ایران و سه کشور اروپایی

شهر ژنو از دوشنبه ۲۴ دی‌ماه به مدت دو روز میزبان دور سوم گفت‌وگوهای ایران و ســـه کشور اروپایی عضو برجـــام انگلیس، فرانسه و آلمان و همچنین نماینده اتحادیه اروپاست.

شهر ژنو ۲۴ و ۲۵ دی‌ماه (۱۲ و ۱۳ ژانویه) میزبان دور سوم گفت‌وگوهای ایران و سه کشور اروپایی عضو برجام (انگلیس، فرانسه و آلمان) و همچنین معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپاست. گفت‌وگوهایی که دور نخست آن مهرماه در حاشیه هفتاد و نهمین نشســـت مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک و دور دوم هم نهم آذرماه در ژنو برگزار شـــد. یـــک روز قبل از آن یعنی پنجشنبه هشتم آذرماه نیز نشستی با حضور غریب‌آبادی و مجید تخت‌روانچـــی معاونـــان وزیر خارجه ایـــران با انریکه مورا معاون مســـئول سابق سیاســـت خارجی اتحادیه اروپا برگزار شد.

اینها گفت‌وگوست و مذاکره نیست

به گـــزارش فارس، گفت‌وگوهایی که اســـماعیل بقایی سخنگوی وزارت امـــور خارجه ۱۷ دی‌ماه در نشســـت هفتگـــی خبرنگاران گفـــت که طیف گســـترده‌ای از موضوعـــات اعـــم از موضوعات منطقـــه، روابط دوجانبه با اتحادیه اروپا و موضوع هسته‌ای بحث خواهد شـــد و افزود: این گفت‌وگوها ادامه روندی اســـت که از قبل توافق شـــده بود و گام دیگری است در روند گفت‌وگو بین ایران و سه کشور اروپایی. موضوع هســـته‌ای و رفـــع تحریم‌ها هم یکـــی از موضوعات مطرح در این گفت‌وگوهاست. ســـخنگوی دستگاه دیپلماسی سوم دی‌ماه نیز اعلام کرد که اینها گفت‌وگوست و مذاکره نیست و افزود: گفت‌وگو به این معنا که درباره طیفـــی از موضوعات هـــم موضوعات بین‌المللی و هـــم منطقه‌ای صحبت خواهیم کـــرد. مطالبات و نگرانی‌های خودمان را در رابطه با سیاســـت‌های این کشـــورها هم در رابطه با منطقه و هم در رابطه با موضوعات دیگری که مورد نگرانی و علاقه مشترک طرفین اســـت مطرح خواهیم کرد و موضوع هسته‌ای یکی از این موضوعات است.

چین و روسیه هم در جریان گفت‌وگوها قرار گرفتند

به گـــزارش فـــارس، در این دور از گفت‌وگوهـــا علاوه‌بـــر گفت‌وگو با نماینـــدگان ســـه کشـــور اروپایی با انریکه مورا معاون مســـئول سیاست خارجـــی اتحادیـــه اروپـــا همچـــون دوره‌هـــای قبل نیـــز گفت‌وگو انجام خواهد شـــد.گفت‌وگویی که کاظم غریب‌آبـــادی معاون امـــور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه می‌گوید که بایـــد وارد گفت‌وگوها بشـــویم تا ببینیم چه اتفاقـــی خواهد افتاد. وی چهارشـــنبه ۱۲ دی‌مـــاه در جمـــع خبرنـــگاران بـــاز هم تأکیـــد کرد که «اینها گفت‌وگو است، مذاکره نیست. برای تبییـــن موضوعات و رایزنی‌های بیشتر تا ببینیم اگر قرار است مذاکراتی شکل بگیرد با چه روشی و چارچوبی و متدلوژی باشد.» جمهوری اسلامی ایران پس از انجام این گفت‌وگوها دو عضو دیگر برجام یعنی چین و روسیه را نیـــز در جریان جزئیات گفت‌وگوها با سه کشـــور اروپایی قرار داد. پس از نیویورک این کار صورت گرفت و پس از گفت‌وگوهای ژنو نیز در سفری که مجید تخت‌روانچی و کاظم غریب‌آبادی دو معاون عراقچی به مســـکو و چین داشـــتند، این دو کشور نیز در جریان گفت‌وگوها قرار گرفتنـــد. آنچنان‌که مجید تخت‌روانچی معاون سیاســـی وزارت امور خارجه در گفت‌وگو با مجله ایتالیایی Affari Internazionali و رادیو رادیکاله به این نکته اشاره کرد: «ما با اعضای برجام که شـــامل ســـه کشور اروپایی و چین و روسیه است، در تماس هستیم.»

با آمریکا گفت‌وگویی نداریم

معاون سیاسی وزارت امور خارجه در ایـــن باره بـــا بیان اینکـــه «اعلام کرده‌ایم که در چارچوب برجام حاضر به گفت‌وگو هســـتیم؛ یعنی تعهدات برجامـــی در مقابل لغـــو تحریم‌ها»، خاطرنشـــان کرد: «آمریـــکا به دلیل خروج از برجام طرف برجام محسوب نمی‌شـــود. بنابراین با آن گفت‌وگویی نداریم.» معاون سیاســـی وزارت امور خارجه اظهار داشت: ما اخیرا در طول چند ماه گذشـــته دو بار با سه کشور اروپایی گفت‌وگو کردیم. باز هم حاضر به گفت‌وگو هستیم، ولی باید مشخص باشد که گفت‌وگو فقط برای گفت‌وگو نباشـــد. بلکه باید نتیجه بخش باشد. موضع ما همین اســـت و همین مسیر را ادامه خواهیم داد.

آمادگی ادامه مذاکرات را داریم

از سوی دیگر سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجـــه نیز در گفت‌وگو با شبکه مصاحبه شبکه تلویزیون مرکزی چیـــن (CCTV) گفت: ما همچنان آمادگـــی داریـــم کـــه وارد مذاکرات سازنده و بدون تأخیر درخصوص برنامه هسته‌ای خودمان شویم، مذاکراتی که با هدف رســـیدن به یک توافق باشد. فرمولی که از نظر ما وجود دارد، همان فرمول سابق برجام است، اعتمادسازی در خصوص برنامه هســـته‌ای ایران در مقابل رفع تحریم‌هـــا. وزیر خارجه با بیان اینکه مـــا بر همین مبنا آمادگی ادامه مذاکرات داریم و قرار اســـت با سه کشـــور اروپایی به‌زودی گفت‌وگو انجام شود، درباره گفت‌وگو با آمریکا نیز اظهار داشت: در مورد آمریکا طبیعی است که دولت جدید باید سیاست خود را تدوین کند و ما بر اساس آن تصمیم خواهیم گرفت. چین و روسیه دو عضو مؤثـــر مذاکرات در گذشـــته بودند، از نظر جمهوری اسلامی ایران همچنان باید به نقش سازنده خودشان در این مذاکرات ادامه بدهند، این خواسته و اراده ما هست.

در سفر اخیر عراقچی به پکن هم یکی از مباحث مورد گفت‌وگو موضوع هســـته‌ای ایران بـــود آنچنان‌که او در بدو ورود بـــه پایتخت چین در جمع خبرنگاران گفت: بحث هسته‌ای ما در سال جدید با وضعیتی مواجه خواهد شد که نیاز است مشورت‌های بیشتری داشته باشیم. اشاره عراقچی به وضعیت جدید در بحث هسته‌ای ایران، با توجه به ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ و منقضی شـــدن قطعنامه ۲۲۳۱ است. اسماعیل بقایی ســـخنگوی وزارت خارجـــه نیز پیش از ایـــن در این باره عنـــوان کرده بود: آنچه منقضی می‌شود قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت اســـت به این معنا که این قطعنامه به صورت خودکار بعد از انقضای زمان ۱۰ ساله منقضی خواهد شد و موضوع هسته‌ای ایران از دستور کار شورای امنیت خارج خواهد شد.

گفت و شنود

قلب بغلی!

گفت: معلوم نیست چرا غربگراها و روزنامه‌های زنجیره‌ای و برخی از مدعیان اصلاحات از پوشش اخبار آتش‌سوزی‌های مهیب در آمریکا، ناتوانی دولت آن کشـــور از مهار آتش و خسارت‌های فراوانی که به بار آمده است، عصبانی هستند؟!

گفتم: همین‌ها وقتی یک خانه در فلان کوچه از فلان محله تهران آتش می‌گرفت، چنـــد روز خبر آن را در صفحه اول با تیتر درشت می‌نوشتند و نظام را به ناکارآمدی متهم می‌کردند! پس حالا چی شـــده که از چاپ خبر آتش‌ســـوزی یک شهر در آمریکا و ناتوانـــی آنها از خاموش‌کـــردن آتش عصبانی شده‌اند؟!

گفت: می‌نویسند و می‌گویند کیهان هم باید مانند ما از این فاجعه ناراحت باشد و آن را تسلیت بگوید!

گفتـــم: چـــرا وقتـــی ۵۰ هـــزار زن و مـــرد و کودک بی‌گنـــاه در غزه قتل‌عام شـــدند، همین قمـــاش غربگرا به جای حمله بـــه آمریکا و اســـرائیل، دنبـــال گدائی مذاکره از آمریـــکای قاتـــل آن قربانیان مظلوم بودند و هســـتند؟! و می‌نوشتند غزه به ما چه ربطی دارد؟!

گفت: خود مسئولان آمریکا به ناتوانی خود اعتراف می‌کنند و معلوم نیست چرا پادوهای آمریکا این همه دردشان آمده است؟!

گفتم: یـــارو از فراق معشـــوقش می‌نالیـــد و می‌خواند؛ «تیر مژگان تو از عینکِ پشـــت // خورد به قلب بغلی بنده را کُشت».

نکته

خوش به حال حق که با علی است

۱- نگارنده بر ســـر آن بود که «گر ز دست برآید» در سالروز میلاد امیرالمؤمنین، علی علیه‌السلام و روز پدر، وجیزه‌ای در این خصوص داشته باشیم. توفیق یار نبود ولی خواسته برجای بود. از این روی بخش‌هایی از چند یادداشت که پیش از این در این‌باره نوشته شده بود را برگرفتیم. باشد تا به مصداق «که مور ران ملخ می‌برد سلیمان را» قبول افتد.

۲- این سخن از رسول خدا(ص) اســـت که «عَلِیٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِیٍّ... حق همیشه همراه علی است و علی همیشه همراه حق». می‌گویند؛ این از فضائل برجسته علی است که همواره با حق است. ولی این کلام را به گونه دیگری باید به تفسیر نشسته و ترجمه کرد. باید گفت؛ چه ســـعادتی نصیب حق شده است که همیشـــه همراه علی است. به بیان دیگر؛ «خوش به حال حق که همیشه با علی است».

۳- در میانه جنگ صفین مالک‌اشتر با حسرت به عمار گفته بود؛

«کاش می‌توانستیم علی(ع) را به عصری ببریم که مردم قدرش را بدانند و راه و رسمش را بر صدر بنشانند» و عمار به او دلداری داده بود که «آن روزها در راه است» و از مردمی خبر داده بود که در صلب پدران و رحِم مادران خویشند و چون آن عصر که مالک آرزو کرده بود فرا برسد، لبیک‌گویان از راه می‌رسند، مردمانی که از «من» و «ما» گذشته‌اند و به خدا رسیده‌اند. نه در سر سودای سود دارند و نه در دل، غم بود و نبود، دل در گرو اسلام ناب محمدی(ص) دارند و علی(ع) را امام و مولی و مقتدای خود می‌دانند.

نگاهی به تاریخ بیندازیـــد! غیر از عصر خمینی و خامنه‌ای، دوران و مردمانی را می‌بینید که با آنچه عمار نشانی آن را به مالک داده بود انطباق داشته باشد؟!

۴- محمد حسنین هیکل روزنامه‌نگار معروف و بلندآوازه مصر دو بار به دیدار امام خمینی(ره) آمده بود، ابتدا در پاریس و سپس در سال ۱۳۵۸ در تهران. او بعد از دیدار تهران، خاطرات خود از این دیدار را در کتابی نزدیک به صد صفحه منتشـــر کرده است. حسنین هیکل می‌نویسد:

« امام خمینی را یکی از اصحاب رســـول خدا(ص) در صدر اسلام یافتم که با معجزه از تونل زمان عبور کرده و به قرن حاضر آمده است تا سپاهیان علی(ع) را که پس از شهادت او و به خون غلتیدن اهل بیتش(ع) بی‌فرمانده شده بودند، فرماندهی کند و من این توان را در او می‌بینم».

حســـنین هیکل، ولایـــت فقیـــه را نمـــادی از حاکمیت علی علیه‌الســـلام و در ادامه آن معرفـــی می‌کند و می‌گوید؛ ولایت فقیه یک «مین» بود که علی در صدر اسلام کاشت و خمینی در قرن بیستم زیر پای استکبار منفجر کرد...

۵- شمع را که خاموش کرد، «طلحه» با نگاه از «زبیر» پرسید؛ علی را چه می‌شود؟ چرا شمع را خاموش کرد؟! علی تازه به خلافت رســـیده بود و آن شب در پرتو نور شـــمع به حساب بیت‌المال رسیدگی می‌کرد. آن دو آمده بودند برای ادامه ویژه‌خواری خویش در حاکمیت علی نیز تضمین بگیرند! وقتی علی شمع بیت‌المال را خاموش کرد و به همین اندازه هم حاضر به هزینه از بیت‌المال برای گفت‌وگو با ویژه‌خواران نشد، معلوم بود که پاسخ علی چیست. اما، پاسخ طلحه و زبیر به علی هم شنیدنی است، از مدینه بیرون رفتند و غائله جمل را آفریدند و به مقابله با حکومت عدل علی برخاستند؛ یعنی «خروج از حاکمیت». دقیقاً مانند کسانی که تا چندین و چند سال پیش، بخشی از حاکمیت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بودند ولی هنگامی که زمینه را برای ویژه‌خواری خود مناســـب ندیدند، از قطار انقلاب پیاده شدند. شعارشان اما چیز دیگری بود و هست، «دموکراسی» که خود زیر پا گذاشته بودند. طلحه و زبیر هم تابلوی «خونخواهی» عثمان را برافراشته بودند! خونی که خود ریخته بودند!

۶- می‌گفتند علی(ع) ســـختگیر است! و راست می‌گفتند، علی سختگیر بود! اما نمی‌گفتند و به مصلحت خویش نمی‌دیدند که بگویند علی بر چه کســـانی ســـخت می‌گیـــرد؟ مولای ما، امیرمؤمنان(ع) که برای آسایش و آرامش مردم، با آسایش و آرامش وداع گفته بود. وقتی حرامیان در بخشی از سرزمین پهناور تحت حاکمیت او، خلخالی از پای دختری بیرون آورده بودند، چهره به آتش تنور نزدیک کرده و به مکافات گناهی که دیگران مرتکب شده بودند، خود را ملامت کرده بود. با آن کودک یتیم را که پدر از دست داده بود، به بازی کودکانه پرداخته بود. او را بر پشت خویش نشـــانده و سواری داده بود... و او خلیفه مسلمین بود. در نامه‌ای به «اشعث‌بن قیس» که والی حضرت در آذربایجان بود، به ملامت و با تحکم نوشت: «این منصب، طعمه نیست، بلکه امانتی است که بر گردن تو آویخته است» و اشعث هنگامی که نامه را دریافت کرد و فهمید در حکومت علی جای آلاف و اولوف و دست‌اندازی به بیت‌المال نیست، گفت «این نامه مرا به وحشت فرو برده، علی ثروت و قـــدرت آذربایجان را برای همه می‌خواهد و آن را از من خواهد گرفت» از آن هنگام بود که اشعث ترجیح داد به معاویه بپیوندد و پیوست. مولای ما به این جماعت سخت می‌گرفت.

۷- رســـول خدا(ص) چه زیبا و چه حکیمانـــه می‌فرمود؛ «انا و علی ابواه هذه الامه... من و علی پدران این امت هستیم»... پدر بزرگوار همه انسان‌ها از آن عصر، تا این عصر و تا همه عصرها... روزت مبارک.

حسین شریعتمداری

خبر ویژه

ننگ تاریخی برای سینه‌چاکان FATF و بزک‌کنندگان مذاکره با ترامپ

حضور نماینده دولت ترامپ در نشست گروهک تروریستی منافقین، ننگ دیگری را برای مدعیان تغییر هویت ترامپ و امکان تعامل ســـازنده با وی، و همچنین بزک‌کنندگان FATF رقم زد.

کیث کلوگ، نماینده ویژه ترامپ در امور روســـیه و اوکراین، روز شنبه در نشست سازمان تروریستی منافقین در پاریس سخنرانی کرد و خواستار فشار حداکثری بر ایران شد. او مدعی شد: فشارها فقط نباید نظامی باشد، بلکه باید اقتصادی و دیپلماتیک نیز باشد.

خبرگزاری رویترز نوشت: کیت کلوگ پیش‌تر نیز از جمله در ماه نوامبر در رویدادهای سازمان مجاهدین (منافقین) سخنرانی کرده بود، اما حضور اخیر او، نشان‌دهنده ارتباط این گروه با دولت ترامپ است. این در حالی است که کیت کلوگ در اوایل ماه جاری، ســـفرهای دیپلماتیک خود به پایتخت‌های اروپایی را به بعد از مراسم تحلیف دونالد ترامپ در تاریخ ۲۰ ژانویه موکول کرده بود. مارکو روبیو وزیر خارجه جدید آمریکا نیز پیش‌تر در گردهمایی‌های ســـازمان مجاهدین (منافقین) شرکت کرده است.

البته سخنان کیث کلوگ مبنی بر فشار حداکثری بر ایران در حالی عنوان می‌شود که چند روز قبل، نشریه فارین‌پالیسی (نشریه تخصصی سیاست خارجی در آمریکا) تصریح کرد: ترامپ پیش از این، یک‌بار در زمینه سیاســـت فشـــار حداکثری و تحریم ایران شکست خورده است.

در عین حال حضور در نشست یک سازمان تروریستی منفور، نمودار رویکرد عملی دولت ترامپ به ایران و اولین واکنش عملی به خیال‌اندیشان مدعی مذاکره اســـت. حضور نماینده ترامپ در کنار سران یک سازمان ورشکسته تروریستی نشـــان می‌دهد که ترامپ برخلاف بزک‌کاری غربگرایان، همان قاتل «فرمانده ضدتروریسم در منطقه» (شهید سلیمانی) است و هیچ تغییر هویتی نکرده است.

کســـانی که در هفته‌های اخیر آرزواندیشی کرده یا به توهم امکان تعامل مثبـــت با پایمال‌کننده حقوق ملت ایران در برجام دامن زدند، ثابت کردند نه الفبای سیاست و دیپلماسی را می‌شناسند و نه غیرت و منافع ملی را.

نکته دوم که آن هم، ننگی برای غربگرایان مدعی اعتدال و اصلاحات است، به نمایش ماهیت واقعی FATF به عنوان کارگروه مدعی «مبارزه با پولشویی، تامین مالی تروریســـم و جرائم ســـازمان‌یافته» برمی‌گردد. سازمان ورشکسته و کلاهبردار منافقین که در گذشـــته به ترور ۱۷هزار شـــهروند اعتراف کرده، یکی از مجســـمه‌های مشهور تروریسم در دنیاست و حتی در آمریکا و برخی پایتخت‌های اروپایی به پولشویی هم متهم شده است.

با این اوصاف، FATF اگر یک نهاد حقوقی مســـتقل و نه ملعبه سیاسی غرب بود، باید هم آمریکا و هم فرانسه را تحت تعقیب و در فهرست سیاه تحریم خود قرار می‌داد. اما نه‌تنها این کار را نمی‌کند، بلکه نماینده یکی از دولت‌های حاکم بر FATF، با بدنام‌ترین و منفورترین تروریست‌های دنیا، عکس یادگاری هم می‌گیرد! چشم آقای ظریف و همقطارانش روشن!

آتش‌افروزی آمریکا در غزه دامن خودش را در لس‌آنجلس گرفت

«آیا آتش سوزی بزرگ در کالیفرنیای آمریکا، عبرت بزرگ و تکان‌دهنده‌ای نیســـت که آن هزینه‌ها برای آتش‌افروزی علیـــه مظلومان غزه اکنون‌گریبان حامیـــان جنایتکاران را گرفته و لهیب آتش تمامی دســـتاورد زندگی آنان را خاکستر کرده و می‌کند؟».

روزنامه جمهوری اســـلامی در تحلیلی نوشـــت: آتش‌سوزی‌های مهیب کالیفرنیا، همه چیز را در کام خود گرفته و مرتباً بر دامنه و شدت آتش‌سوزی‌ها افزوده می‌شود. اگرچه کالیفرنیا از ایالت‌های ثروتمند آمریکا محسوب می‌شود ولی ابعاد ویرانی‌ها و خسارات وارده نیز بسیار تکان‌دهنده و غیرمنتظره است. مقامات رسمی از ویرانی‌های بیشتر بر اثر ناتوانی در مهار آتش خبر می‌دهند. آمـــار و ارقام فعلی از یکصد هـــزار بی‌خانمان، حدود ۱۵۰ میلیارد دلار برآورد خســـارت مالی، تلفات جانی روزافزون و پیشـــروی آتش به سایر مناطق خبر می‌دهد ولی گفته می‌شـــود که محدوده آتش‌ســـوزی‌ها به تلی از خاکســـتر تبدیل شده اســـت. ناتوانی نیروهای امدادی، فرصت چندانی برای مهار آتش باقی نگذاشته است.

ناگفته پیداســـت کـــه وقوع چنین فجایعی برای هر ملت و کشـــوری که باشـــد، یک زیان و خســـارت بزرگ است و از دیدگاه انســـانی، باعث نگرانی و همـــدردی با مردمی اســـت که زندگـــی روزمره و ثروت و کاشانه‌شـــان به کام آتش فرو رفته اســـت. در فضای مجازی کســـانی هم هســـتند که فجایع لس‌آنجلـــس و هالیـــوود را در روزهای اخیر با فجایع روزمره در غزه مقایســـه می‌کنند و سؤالات فراوانی را مطرح می‌سازند که در جای خودش تامل‌برانگیز اســـت. نخســـت آنکه حوادث آتش‌ســـوزی این روزها در کالیفرنیا، نشانی از قهر طبیعت اســـت و تاکنون کســـی را به عنوان مقصر و عامل چنین حوادث هولناکـــی معرفی نکرده‌اند ولی مردم مظلوم و بی‌دفاع غزه اکنون بیش از ۱۵ ماه اســـت در لهیب آتش ناشـــی از بمباران وحشـــیانه و حملات شبانه‌روزی ماشـــین جنگی اســـرائیل قربانی می‌دهند و رقم تلفات انســـانی آنها به بیش از ۴۶ هزار نفر رسیده است. فجایع غزه عمدی است و مشخصاً از جانب آمریکا و برخی رژیم‌های شرور اروپایی نیز حمایت و هدایت می‌شود.

موضوع دوم آنکه این روزها، همگان برای خاموش کردن آتش‌ها در کالیفرنیا از یکدیگر سبقت می‌گیرند و حال آنکه در غزه، این حامیان اشغالگران هستند که برای دمیدن در آتش جنگ و افزایش تعداد تلفات انسانی و گسترش ویرانی‌ها و خسارات از یکدیگر سبقت گرفته و می‌گیرند.

ســـوم آنکه در غرب وحشی نه‌تنها هیچ اقدامی جدی و مؤثری برای مهار جنایات جنگی اســـرائیل علیه مردم مظلوم غزه را شـــاهد نیستیم، بلکه حتی مقامات رســـمی آمریکا با وقاحتی مثال‌زدنی، آنهمه جنایت علیه بشـــریت در غزه را حق طبیعی اشـــغالگران معرفی می‌کنند و آنرا تحت پوشـــش «دفاع از خود» توجیه می‌کنند.

البته هیچ‌کس از آســـیب رسیدن به انسان‌ها خرسند و خشنود نمی‌شود ولی انصافاً مردم مظلوم غزه با ساکنان لس‌آنجلس و هالیوود از دیدگاه انسانی چه تفاوتی ممکن اســـت داشته باشـــند؟ چرا باید مردم مظلوم غزه نه‌تنها در بمباران وحشیانه و هدفمند ماشین جنگی اسرائیل و با حمایت آمریکا قربانی شـــوند، که حتی از سرما، گرسنگی، تشنگی و فقدان دارو و درمان هم به کام مرگ فرو روند؟

آیا از این دیدگاه نمی‌توان به حوادث این روزها در کالیفرنیا به عنوان یک «عبرت» بزرگ و تکان‌دهنده نگریست؟

در غزه مردمش حتی درون چادرها، بی‌پناه و گرســـنه و تشـــنه هســـتند و همچنان در زیر حملات وحشـــیانه اسرائیل با ســـلاح‌های آمریکائی قربانی می‌شـــوند و در کالیفرنیا علی‌رغم آنکه آمریکای ابرقدرت با تمامی امکانات و ظرفیت‌ها نمی‌تواند و هنوز هم نتوانســـته یک آتش‌ســـوزی را مهار کند، خانه و کاشـــانه‌ها خاکستر می‌شود ولی همگان از سراسر دنیا برای اظهار همدردی و کمک به آمریکای ابرقدرت ولی ناتوان در برابر یک آتش‌ســـوزی، از یکدیگر ســـبقت می‌گیرند. آیا این تلنگری به وجدان بشـــریت نیست؟ آیا این پدیده، هیچ نشانی از قهر الهی را با خود به همراه ندارد؟

از نـــکات عبرت‌آموز دیگر آنکه آمریکا در طول این دوران ۱۵ ماهه بیش از ۳۰ میلیارد دلار برای کمک و تجهیز ماشین جنگی اشغالگران، به اسرائیل بمب‌های هوشـــمند، بمب‌های ۲هزار پوندی و انواع سلاح‌های کشتارجمعی و ممنوعه را ارســـال کرده ولی از تجهیز شـــبکه‌های آتش‌نشانی کشورش غافل مانده اســـت. بعلاوه بخش عظیمـــی از مالیات‌های ایالت کالیفرنیا برای کمک به تشدید جنایات اسرائیل علیه مردم مظلوم غزه هزینه شده است.

آیـــا این عبرت بـــزرگ و تکان‌دهنده‌ای نیســـت کـــه آن هزینه‌ها برای آتش‌افـــروزی علیه مظلومان غزه اکنون‌گریبان حامیان جنایتکاران را گرفته و لهیب آتش تمامی دستاورد زندگی آنان را خاکستر کرده و می‌کند؟

البته کســـی از نابودی زندگی دیگران خرسند نیست ولی آیا قهر طبیعت واقعاً تصادفی است؟ آیا رمز و رازی برای مقایسه و پیوند دادن به حوادث امروز کالیفرنیا و فجایع ۱۵ماهه در غزه وجود ندارد؟

سخنان پزشکیان خسته‌کننده است یا مشورت‌های ضد کارشناسی شما؟

یک روزنامه اصلاح‌طلب می‌گوید آقای پزشکیان به جای حرف‌های تکراری، حرف‌های مبتنی بر کارشناسی بزند.

روزنامه هم‌میهن به قلم عباس عبدی نوشت: «آقای پزشکیان در سخنرانی خود در همایش وفاق با کنار گذاشـــتن متنی که برای سخنرانی ایشان آماده شده بود، گفتند: «متونی که عزیزان تهیه کرده‌اند، بسیار ارزشمند و تأثیرگذار است، اما آنچه به باورم از اهمیت بیشتری برخوردار است، بیان آن چیزی است که از دل برمی‌آید و در متون از پیش آماده شده، یافت نمی‌شود. متن‌هایی که پیش‌تر تهیه شـــده بود، چارچوب‌هایی را منعکس می‌کرد که به آنها معتقدم. آنچـــه باور دارم و پیش‌تر در جریان انتخابـــات نیز بر آن تأکید کردم، اصولی است که حول محور حق و عدالت شکل می‌گیرد.»

مردم بیش از اینکه تشنه شنیدن حرف‌هایی باشند که هرچند بسیار خوب است و از دل بیرون می‌ریزد، منتظر شنیدن محتوایی هستند که محصول عقل جمعی و کارشناســـی دولت باشـــد و از زبان رئیس‌جمهور گفته شود و مهم‌تر اینکه ناظر به عمل و سیاست‌های اجرائی باشد. سیاستمداران هر اندازه هم که سخنور باشند، به‌سرعت حرف‌هایشان تکراری و مُمِل یا خسته‌کننده می‌شود. در همین سخنرانی آقای رئیس‌جمهور که محور آن عدالت و حق است، نکات بسیار ارزشمندی گفته شده که نیاز امروز جامعه ماست، ولی مشکل اینجاست که این ســـخنان بارها از سوی ایشان تکرار شده. به عبارت دیگر، هم عدالت و هم حق در ســـطح کلیات مورد اعتراض کسی نیست، همه مدعی حق و عدل هستند. آنچه افراد به‌ویژه حکومت‌کنندگان را از یکدیگر متمایز می‌کند، تفاوت برداشـــت‌های آنان از مصداق‌های عدل و اجرائی این شعار است. نمونه روشن ماجرا در همان روز پنجشنبه رخ داد و آقای پزشکیان هیچ تبیینی درباره آن ارائه نکردند. این نمونه معطوف به شعار بسیار مهم ایشان یعنی «وفاق» است.

مردم و ما به‌عنوان افرادی که ناظر و مخاطب سخنان شما هستیم، درک مصداقی و روشـــن شما از این شـــعار را متوجه نمی‌شویم. درواقع مرزهای آن را نمی‌دانیم کجاست.

روشن نبودن حد و حدود وفاق در عمل و روی زمین، موجب می‌شود که مردم به اصل این شـــعار بی‌تفاوت شوند و اتفاقاً برداشت غالب این است که با این رفتارها در پی نشان دادن این ادعا هستند که چیزی تغییر نخواهد کرد».

اشـــاره نویسنده سیاســـی‌کار هم‌میهن به اهمیت اظهارات کارشناسی در حالی اســـت که اغلب تشکیل‌دهندگان شورای راهبری کابینه عناصر سیاسی غیرکارشـــناس و بعضاً مجرمان امنیتی بودند که بر اســـاس حضور در ســـتاد انتخاباتی و شـــرکت سهامی دولت در این شورا حضور یافته بودند و سپس به اتاق‌های مشـــاوران دولت و از جمله معاونت مجعولی به نام معاونت راهبردی منتقل شـــدند. بنابراین بسیار دور از ذهن است که عناصر سیاسی‌کار رادیکال و غیرکارشناسی از این جهت بخواهند مشورت‌های کارشناسی و فنی و عالمانه به رئیس‌جمهور بدهند و احتمالاً همین واقعیت، یکی از دلایل کنار گذاشـــتن سخنرانی‌های نوشته برای ایشان است.

یادآور می‌شود نویسنده یادداشت هم‌میهن، محکوم امنیتی پرونده فروش اطلاعات و از مدعیان عبور از خاتمی و روحانی بوده است.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* همان طوری که امام‌المســـلمین جهان در دیدار با مردم انقلابی قم فرمودند؛ «کار اساسی، کار مهم برای دستگاه‌های تبلیغاتی ما، برای دستگاه‌های فرهنگی ما، تبلیغات ما، وزارت ارشـــاد ما، صداوسیمای ما، فعالان فضای مجازی ما، کار اساســـی این اســـت که پرده توهم اقتدار دشمن را پاره کنند، بشکنند، نگذارند تبلیغـــات دشـــمن بر روی افـــکار عمومی اثر کند. این کاری اســـت که آن روز (قیام ۱۹ دی‌۵۶) قمی‌ها کردند.» انتظار می‌رود تمام رسانه‌ها و مطبوعات،صدا و سیما، رسانه‌های مجازی، نهادهای فرهنگی و... با لبیک به امام خویش لحظه‌ای درنگ ننمایند و به این امر ولیّمان لبیک گفته و تبلیغات دشمن را خنثی نمایند.

بتویی

* آیت‌الله سید علی قاضی (قدس سره) در مورد ماه‌های رجب و شعبان و رمضان می‌فرماید؛ این ســـه ماه را بیدار باش! تا این که برای مسافرت خویش [به جهان آخرت] توشه برداری، و این فرصت را از دست مده و غنیمت بشمار!

شهیدی

* «جیمی کارتر» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، که چند روز قبل در سن ۱۰۰ سالگی فوت کرد کتابی به اسم «تقاضایی برای اقدام» نوشته که به موضوع نقض حقوق بشـــر و تجاوزات وحشـــتناک علیه زنان در آمریکا پرداخته است. کارتر در این کتاب نوشته هر ساله صدهزار دختر به‌عنوان برده در آمریکا فروخته می‌شود. وی همچنین به تجاوزات جنسی که در محوّطه‌های کالج‌ها رخ می‌دهد اشاره کرده جایی که از هر بیست‌وپنج مورد تنها یک مورد گزارش می‌شود. کارتر همچنین عنوان می‌کند که تنها یک درصد از متجاوزان جنسی در ارتش محاکمه می‌شود. هیچ چیز بهتر از این نیست که خود غربی‌ها نیمه پنهان خودشان را برملا کنند.

خوارزمی

* جولانی ســـرکرده گروه تروریستی هیئت تحریرالشـــام گفته قصد نداریم با اسرائیل وارد جنگ شویم. اهداف ما روشن است و برنامه‌های ما برای ساخت و ساز و توسعه در سوریه آماده است. عرض می‌کنم تشت رسوایی این گروه مزدور بیگانگان خیلی زود برای همگان برملا شد.

رضوی نسب

* نطق بی‌سابقه رئیس‌مجلس عراق خطاب به نتانیاهو؛ «ای حرامزاده! ما را تهدید می‌کنی؟! ما ملتی هستیم که شهادت را افتخار و عزت می‌دانیم!» غربگدایان داخلی غیرت را از ایشان یاد بگیرند! احسنت بر این مجاهد و مرد میدان.

سرچاهی

* کانادا غیر از همراهی و در خدمت بودن چه نقشـــی در مقابل آمریکا داشـــته است که ترامپ گستاخانه قصد الحاق آن به آمریکا را کرده است؟ آمریکاپرستان داخلی چرا سکوت کرده‌اند؟

قوامی

* یک کارگردان سینما به ماجرای فرودگاه مهرآباد واکنش نشان داده و گفته؛ خانمی که تصویرش پخش شـــده ده روز پیش هم در مهرآباد فحاشی می‌کرد. این یک ســـناریوی تکراری است، اگر خودم ندیده بودم احتمالا قضاوت دیگری داشـــتم! از پلیس فرودگاه درخواست می‌شود با این سناریوهایی که با برنامه در گوشه و کنار کشور به ویژه فرودگاه اجرا می‌شود، به جد مقابله نماید.

علی‌نژاد

* چرا با گذشت ۵ سال از حملهٔ ایران به عین‌الاسد و آوار شدن ساختمان‌های این پایگاه بر سر نیروهایشان، آمریکا هنوز از میزان خسارت‌ها و تلفات اطلاعاتی منتشر نمی‌کند؟ این شیطان بزرگ از چه نگران است؟

پاک‌نژاد

* اگرچه مدعیان اصلاحات با تکیه بر شعار «وفاق» خواهان چشم‌پوشی نسبت به ناکارآمدی افراد منتسب به خود در دولت هستند، ولی بهترین اقدام برای حل مشـــکلات موجود از جمله افزایش نرخ ارز در این شرایط هم‌اندیشی و همدلی میان دولت و مجلس اســـت. و در چنین شرایطی استیضاح وزیر اقتصاد نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه پالس منفی به بازار خواهد داد.

یونسیان

* رعایت قانون بر همه واجب است. در مسئله حجاب نیز مثل سایر امور رعایت قانون بر همه واجب است. امیدوارم برخی افراد بی‌تجربه و یا نادان به حکم خداوند دهن‌کجی ننمایند، برای این دنیای چند روزه نمی‌ارزد که آخرت خود به خاطر زیر پا گذاشتن حکم حضرت حق خراب کند.

نوشمالی

* وزیر اقتصاد از طرح مجدد لوایح FATF در مجمع تشخیص خبر داده است. نکتـــه جالب اصرار دولت برای کمک به تحریم‌های آتی ترامپ اســـت. چرا که پیش‌تر مســـئولان اذعان کرده بودند همـــکاری با FATF و اجرای توصیه‌های این نهاد، موجب لو رفتن شـــبکه فروش و وصول ارز نفتی شده است. در دولت اصلاح‌طلبان معمولا افراد ناتوان و ناکارآمد همیشـــه خودشان را پشت FATF پنهان کرده و می‌کنند.

خادمی

* از علامت‌های در خط مســـتقیم بودن یک فرد این اســـت که دشمن اعتراف به دشـــمنی خود با چنین فردی بکند. رائول مارک گرشـــت مأمور سابق CIA در مـــورد علامه مصباح یزدی گفته؛ بگذاریـــد راحتتان کنم، تنها مانع ما برای ایجاد دموکراسی (آمریکایی‌ســـازی) ایران، آیت‌الله مصباح یزدی است، آیت‌الله مصباح یزدی. او کسی است که دموکراسی (آمریکایی) را به چالش کشیده است. نام و یاد این استاد فرزانه زنده و راهش پررهرو باد.

حیدری نسب

* دکتر عارف معاون اول رئیس‌جمهور گفته حق نداریم در زندگی خصوصی مردم تجســـس بکنیم. بنویسید چه کسی در زندگی مردم تجسس کرده؟ چرا مرتب فـــاز منفی به جامعه تزریق می‌کننـــد؟ اگر از دادن امید واقعی به مردم عاجزید حداقل ناامیدی ایجاد نکنید.

زعیم زاده

* رئیس شعبهٔ رسیدگی به پرونده‌های رمز ارز می‌گوید در کشور بیش از ۱۰۰ صرافی غیرمجاز رمز ارزی وجود دارد! می‌پرسیم چه کسی باید با این متخلفان برخورد نماید؟ دستگاه قضائی، بانک مرکزی یا مردم؟

محمودیان

* دانش‌آمـــوزی که دیپلم می‌گیرد، حداقـــل باید بتواند در یک عرصه، توانمند شـــود. زیرا ۱۲ سال به هیچ وجه زمان کمی برای پرورش یک استعداد نیست. این در حالی است که بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان نه تنها پس از دیپلم، بلکه حتی در مقطع کارشناسی و ارشد در دانشگاه هم سرگردان هستند و پس از سال‌ها تحصیل، اساساً نمی‌دانند به دنبال چه چیزی هستند؟ یا برای کجا و چه کاری می‌توانند مفید باشند؟

رادفر

اقتدار ایران در جزیره بوموسی مقابل دیدگان نظامیان ۸ کشور جهان

نظامیان هشت کشور جهان از جزیره بوموســـی و تنگه هرمز بازدید کردند.

نظامیان هشت کشور جهان که در حال طی دوره دفاع ملی در دانشـــگاه عالـــی دفاع ملی هســـتند با همراهی سرلشـــکر صفوی و رئیس دانشـــکده بین‌الملل دانشـــگاه عالی دفاع ملی از جزیره بوموســـی و تنگه هرمز بازدید کردند.

سرلشکر پاسدار سید یحیی صفوی دستیار و مشـــاور عالی فرمانده معظم کل قوا روز گذشـــته در تشریح اهداف این ســـفر گفت: این ســـفر علمی به منظور معرفی بخشی از پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در بخش‌های دفـــاع و امنیت خلیج‌فـــارس و تنگه هرمز، ترانزیت، انرژی، صنعت و تقویت روابط میان ایران و کشورهای پیرامون از جمله هندوســـتان، چین، پاکستان، ترکمنســـتان، عراق، عمـــان، یمن و... انجام شده است.

وی افزود: دانشجویان خارجی در این سفر سه روزه از بندر شهید رجایی، پالایشـــگاه ستاره خلیج‌فارس، شرکت فولاد هرمزگان، صنایع کشتی سازی، محیط شناسی جزیره بوموسی، ناوشکن جمـــاران و بخشـــی از توانمندی‌های نیروی دریایی ســـپاه بازدید کردند و نشست صمیمانه‌ای با سردار تنگسیری فرمانـــده نیروی دریایی ســـپاه برگزار کردند. دستیار و مشاور عالی فرمانده معظـــم کل قـــوا با تأکید بـــر اهمیت دیپلماســـی علمی با رویکرد دفاعی و امنیتی تصریح کرد: تبادل دانشـــجو در میـــان ارتش‌های جهـــان یکی از عرصه‌های تقویت دیپلماســـی دفاعی به شمار می‌رود و هم اکنون با موافقت ستاد کل نیروهای مسلح، تعداد قابل توجی از نظامیان کشـــورهای مختلف در دانشـــگاه عالی دفـــاع ملی در حال گذراندن دوره‌های نظامی هستند.

ســـردار صفوی بـــا بیـــان اینکه دیپلماســـی دفاعـــی میـــان نیروهای مسلح ایران و کشـــورهای همسایه و فرامنطقه‌ای، صلـــح و امنیت را برای دولت‌ها و ملت‌های همســـو به ارمغان می‌آورد یادآور شـــد: فهم مشـــترک کشورها از تهدیدات مشترک و منافع مشـــترک نیازمند دیپلماســـی فعال دفاعی است و جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش کرده اســـت با برقراری روابط دفاعـــی، امنیتـــی، اطلاعاتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاســـی با ۱۵ کشور همسایه و قدرت‌های قاره آسیا همچون هند، چین و روسیه، به عنوان یک قـــدرت منطقه‌ای در جهت ایجاد ثبات و امنیت پایدار خصوصا در ساختار ســـازمان همکاری شانگهای و بریکس نقش ایفا کند.